

## جست‌وجوی امنیت در رسانه‌ها

### رسانه‌ها و ثبات سیاسی – اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

• فرزانه زارع

پژوهشگر ارتباطات جمعی

معرفی نمود. او عناصر اصلی جریان ارتباطات را «فرستنده»، «پیام» و «مخاطب» و هدف فرستنده از ارسال پیام را متقاعد نمودن مخاطب می‌دانست. اما اینک تأثیرگذاری رسانه‌ها حتی فراتر از اقناع و تغییر نگرش که ملاک‌های بررسی تأثیرات رسانه‌ها طی سه دهه قبل بودند، ارزیابی می‌شود. تأثیرات بررسی شده اکنون در چارچوب علوم‌ی چون روان‌شناسی اجتماعی و انسان‌شناسی فرهنگی قرار می‌گیرند تا در مجموع کارآمدی یا ناکارآمدی رسانه در انجام کارکرد خود مورد ارزیابی قرار گیرد.

در این بین «آگاهی» و «اطلاعات شفاف» از آنچه در جامعه می‌گذرد، محور کارکرد رسانه‌ها قرار گرفته است. بازی سیاست که در دوران جدید با حضور تماشاگری به نام «شهروند» صورت می‌پذیرد بدون وجود ابزاری برای آگاهی و اطلاع‌رسانی اساساً ممکن نیست و همین مهم است که نقش و جایگاه رسانه‌ها را در جهان معاصر، برجسته و حیاتی می‌سازد.

در ایران به دلیل حاکمیت اقتدارگرایانه رژیم پهلوی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کارکرد اطلاع‌رسانی رسانه‌ها به ویژه مطبوعات دچار اختلال گشته بود. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آشکار شدن نقش حیاتی آگاه‌سازی مطبوعات، رسانه‌ها چون منبع قدرت در جامعه مطرح شدند. در اواسط دهه هفتاد شمسی همزمان با انتخابات دوم خرداد، شمار مطبوعات به سرعت رو به تزاید نهاد و نظر به فقدان ساختارهای سامان‌مند سیاسی به



• جمعی از نویسندگان. رسانه‌ها و ثبات سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، چاپ سوم، ۳۱۳ صفحه، وزیری، شومیز.

ارسطو برای نخستین بار مفهوم ارتباطات را مورد توجه قرار داد و به عنوان یک عنصر اجتماعی، هسته اصلی آن را تبادل افکار متعدد



عملکرد رسانه‌ها را برای جمهوری اسلامی ایران تبیین نمایند. در مقاله نخست با عنوان «نقش و کارکرد رسانه‌ها در اندیشه امام خمینی (ره)»، دیدگاه امام خمینی (ره) درباره رسانه‌ها با نگاه ویژه به ثبات و امنیت ملی به شکل جملاتی از ایشان در تفسیر گزاره‌های دیگر نقل شده از ایشان، عرضه گردد. نویسنده ضمن طرح چند پرسش اساسی در زمینه جایگاه رسانه‌ها و کارکردهای آنها، نشان می‌دهد که بنیانگذار جمهوری اسلامی نسبت به این نهاد بسیار خطیر به هیچ وجه کم توجه نبوده‌اند. گونه‌های مختلف استفاده جریان انقلابی از رسانه‌ها برای تأسیس نظامی تازه و تثبیت آن، محور دومی است که در مقاله مورد پردازش قرار گرفته است. در بخش پایانی این مقاله و در مقام جمع‌بندی دیدگاه حضرت امام (ره) نسبت به رسانه‌ها اعم از صدا و سیما و نیز مطبوعات، نگارنده بر آن است که رسانه‌ها قابلیت اصلاح و انحراف امریک کشور را دارند و به همین دلیل از نقش آفرینان اصلی دنیای کنونی هستند.

کارکردی از رسانه‌ها را می‌توان مطابق مصالح کشور دانست که به تقویت و استوار ساختن آرمان‌های اسلام، انقلاب و ملت بینجامد و هر آنچه طمع بیگانگان و دشمنان را تأمین کند، حرکت در مسیر انحراف کشور از مسیر صحیح آن که همانا انقلاب اسلامی است،

منظور جهت دادن مردم، روزنامه‌ها عهده‌دار این مهم شدند. در این بین برخی از این رسانه‌های مکتوب به جای ایفای نقش بی‌طرفانه در اطلاع‌رسانی اقدام به القای دیدگاه‌های شخصی و جناحی خود به مخاطبان نمودند، لذا امنیت ذهنی و فرهنگی جامعه را به خطر انداختند. کشور ما از جمله جوامعی است که با بحران و فقر نظری در باب ثبات سیاسی و امنیت ملی رسانه‌ها دست به گریبان است.

اقدام پژوهشگر مطالعات راهبردی در برپایی همایشی که مجموعه مقالات آن در قالب کتاب حاضر تدوین گردیده با هدف تولید اندیشه در عرصه سیاسی - اجتماعی و تبیین چارچوب حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای انجام گرفته است. این پژوهشگر به سال ۱۳۷۶ فعالیت‌های خود را در حوزه علوم انسانی با گرایش مطالعات استراتژیک و امنیت ملی آغاز کرده است. و تاکنون کتاب‌های بسیاری را نشر و همایش‌های زیادی را برقرار کرده است.

#### بررسی مفاد و مطالب کتاب

مجموعه مقالات حاضر در سه بخش سازمان‌دهی شده‌اند: در بخش نخست مبانی نظری موضوع مورد تأمل قرار گرفته‌اند و نویسندگان مقالات سعی نموده‌اند فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی

خبررسانی بررسی می‌نماید و با اشاره به نقش رقابت مطبوعات در عرصه امنیت ملی، فراز پایانی نوشتار را به بیان راه‌کارهایی که گمان می‌دهد تأثیر بسزایی در رفع موانع و تقویت امنیت ملی به واسطه عملکرد مطبوعات دارند، اختصاص می‌دهد.

در این رابطه، کاهش ایفای نقش جایگزین جریان‌های حزبی و تشکیلات گروهی توسط مطبوعات، با هدف افزایش نقش اطلاع‌رسانی این رسانه‌های مکتوب و تقویت قدرت انتخاب و گزینش مخاطبان به منظور بالا بردن ضریب امنیت ذهنی جامعه مورد تأکید قرار گرفته است.

در مقاله «رسانه، وانموده و امنیت»، نویسنده از منظری استراتژیک به موضوع نگاه کرده و فرصت‌ها و هزینه‌های امنیتی ناشی از حضور یا عدم حضور رسانه‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را بر شمرده است. وی در پژوهش خود معتقد است به علت شرایط سیاسی حاکم بر جامعه ما، رسانه‌ها با خصیصه‌ها، شناسه‌ها و کارکردهای خاصی ظاهر شده‌اند که اهم آنها را در قالب ۹ ویژگی بیان می‌نماید.

آنگاه با عنایت به ویژگی‌های نه‌گانه مذکور، نگارنده وضعیت حاکم بر عرصه رسانه‌ای جامعه را حالت نسبتاً منحصر به فردی تلقی می‌نماید که هم ساطع‌کننده تهدیدات و هم به ارمغان آورنده فرصت‌هایی برای جامعه امروز می‌تواند باشد. سپس با طرح پرسش‌هایی از قبیل اینکه چگونه می‌توان به انتظام و سامانی در این کثرت رسانه‌ای اندیشید؟ و چگونه می‌توان فعالیت‌های رسانه‌ای را قانونمند و قانون مدار کرد؟ و... به آسیب‌شناسی فعالیت‌های رسانه‌ای پرداخته می‌شود و با اشاره به این موضوع که انقلاب اطلاعات رابطه‌ای معکوس با تمرکز قدرت و اقتدار دارد، عمده‌ترین تأثیر این انقلاب را در حوزه فکر و فرهنگ معرفی می‌کند و هم‌آوا با پارسونز به سرایت این تغییر در فرهنگ به سایر حوزه‌ها از قبیل حقوق، سیاست و اقتصاد معتقد است و لذا به تبیین این زمینه‌ها می‌پردازد.

ادامه مقاله به فرصت‌شناسی فعالیت‌های رسانه‌ای و علل و عوامل آسیب‌پذیری و آسیب‌زایی رسانه‌ها می‌پردازد و با ذکر راهبردهایی در جهت کاهش میزان آسیب‌پذیری رسانه‌ها خاتمه می‌یابد.

مقاله چهارم با عنوان «نقش نظارتی رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» بحث مبسوطی را در مبنای

تلقی می‌گردد.<sup>۱</sup> در سطور پایانی مقاله نخست به منظور ارتباط بخشی بین مطالب گذشته با موضوع امنیت، رابطه بین کارکرد رسانه‌ها و ثبات و امنیت ملی مورد پرسش قرار می‌گیرد. در پاسخ، نگارنده بر این باور است که ثبات و امنیت مورد نظر حضرت امام (ره) از کارکرد آزاد و مستقل رسانه‌ها ناشی می‌گردد.

با این حال، در صورتی که رسانه‌ها در زیر لوای آزادی، قصد خیانت و توطئه به آرمان‌های انقلابی ملت را داشته باشند، به دلیل مخدوش شدن آزادی و ثبات و امنیت ملی، چنین اجازه‌ای به آنها داده نمی‌شود.

«مطبوعات و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» دومین مقاله در بخش نظری است که نویسنده در آن با استناد به دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در خصوص یکی از مهم‌ترین رسانه‌های عمومی کشور - یعنی مطبوعات - نشان می‌دهد که چگونه مطبوعات می‌توانند ثبات سیاسی - اجتماعی کشور را تقویت یا تضعیف نمایند.

در این نوشتار، دو دیدگاه متفاوت از حیث ارتباطی درباره چگونگی ایفای نقش مطبوعات در جایگاه یک ابزار فرهنگی مهم عرضه شده است:

**نخست، دیدگاه رسانه مداری:** عده‌ای از جمله روانشناسی به نام «گابریل تارد» رسانه‌ها را دارای قدرت بالایی در القاء و تأثیرگذاری بر مخاطبان می‌دانند.<sup>۲</sup> این دیدگاه بار انفعالی بیشتری برای مخاطبان قائل است و ایشان را تأثیر پذیرتر و مطیع‌تر از آن می‌داند که در مقابل حجم اطلاعات دریافتی خود، آگاهانه دست به گزینش بزنند.

**دوم، دیدگاه اجتماع مداری:** در این دیدگاه انسان حالت فاعل دارد و مهم‌ترین فعل آن گزینش‌گری است.<sup>۳</sup>

نگارنده مقاله بر آن است تا با نگرش به کارکرد مطبوعات از زاویه نگاه دوم، توانایی آنان در راه تثبیت و ایجاد پیوستگی و همگنی اجتماعی و نیز قدرت ضربه‌آنان در وسعت بخشی و ژرف نمودن شکاف‌های اجتماعی را به بررسی نشیند.

از این رو ابتدا نقش مطبوعات در عرصه توسعه فکری را مورد اشاره قرار می‌دهد و سپس به موضوع آزادی مطبوعات و ثبات و امنیت کشور می‌پردازد. آنگاه با تشریح سه نقش اساسی که «هارولد لاسول» در سال ۱۹۴۸ برای رسانه‌های جمعی قائل شده، کارکرد مطبوعات در ایجاد امنیت ذهنی در سایه رعایت اخلاق

نظری این موضوع ارائه نموده است.

در این نوشتار با عنایت به نقش نظارتی رسانه‌ها تلاش می‌شود تا ثبات سیاسی به شکل کاملی کالبد شکافی و شناخته شود و گونه‌های تأثیرگذاری نقش نظارتی رسانه‌ها بر ثبات سیاسی مشخص گردند.

طبق تحلیل ارائه شده در این نوشتار، مطبوعات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز سه الگوی متفاوت از ثبات سیاسی را تجربه نموده‌اند. الگوهای قبض محور، یک‌سویه و بسط محور در سه دوره تثبیت، سازندگی و توسعه سیاسی ضمن آنکه توانسته‌اند کلیت نظام را حفظ نمایند برای مطبوعات نیز سیاست‌های مشخص راروشن ساخته‌اند که با یکدیگر متفاوتند. به عقیده نگارنده به رغم اختلافات الگویی و سیاستگذاری در این سه دوره آنچه که از نظرگاه تحلیل سیاسی جالب می‌نماید آن است که جمهوری اسلامی ایران روندی تدریجی و تکاملی را پشت سر گذارده و از این حیث برنامه‌های اصلاحی دولت برآمده از دوم خرداد می‌تواند به مثابه ثمره نهایی تلاش‌های به عمل آمده در زمینه اصلاح و تقویت الگوی ثبات سیاسی کشور تلقی گردد. روی هم رفته این نوشتار بر آن است که نشان دهد حضور پررنگ رسانه‌ها ضرورتاً به تقویت یا تضعیف ثبات سیاسی کشور نمی‌انجامد که البته رعایت یک سری شرایط خاص به منظور تحقق این مهم ضروری است.

بخش دوم به مقالاتی اختصاص دارد که در مقام تحلیل عملکرد رسانه‌ها در موضوعات خاص می‌باشند. سه مقاله نخست به بررسی نحوه عملکرد صدا و سیما اختصاص یافته است. در مقاله «رسانه و آموزش پنهان» نویسنده ضمن تعریف مفهوم «آموزش پنهان» به نوع رفتارهای تعلیم داده شده توسط سیمای جمهوری اسلامی اشاره دارد و این آموزش‌ها را با اهداف اصلی مصوب سازمان مغایر می‌بیند. نویسنده بر این باور است که آثار انتقال ناآگاهانه و ناخواسته پیام به مخاطب ممکن است مقصود و منظور فرستنده پیام نباشد، همچنان که نتایج حاصل از یک پیام ارتباطی شاید مورد نظر و انتظار فرستنده پیام نباشد و بر خلاف خواست، اراده و تمایل وی، دنیای درون مخاطب (ذهنیت مخاطب) و یا دنیای بیرون او (رفتارهای مخاطب) را متأثر سازد. نگارنده برخی از التهابات اجتماعی - فردی در حوزه اجتماع و فرهنگ را به این آموزش‌ها (آموزش‌های پنهان) و یادگیری‌های متعاقب آن (یادگیری پنهان) مرتبط می‌پندارد.

به دیگر بیان، با افزایش حجم آموزش‌ها و یادگیری‌های پنهان، افزونی برخی رفتارها و کنش‌ها که احتمالاً منظور نظر فرستنده یا گیرنده پیام نیست، انتظار می‌رود. به این ترتیب، نگارنده سعی خود را در راستای تبیین این گونه رفتارها متمرکز می‌سازد. و آثار آموزش و یادگیری پنهان و پیشینه آن را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

در مقاله «رسانه‌های تصویری و ثبات سیاسی»، ابتدا رسانه‌ها به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در افزایش یا کاهش ثبات، بی‌ثباتی و خشونت سیاسی معرفی می‌گردند. بدین لحاظ صورت مساله در این مقاله آن است که پس از شکل‌یابی ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، نقش رسانه‌ها به طور اعم و نقش رسانه‌های تصویری به طور اخص در انواع عوامل و مؤلفه‌های بی‌ثباتی یا خشونت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. سپس نگارنده قصد خود از طرح شرایط و ساز و کارهای رسانه‌ای با هدف اینکه رسانه‌ها به جای تنش‌زایی بتوانند تنش‌زدایی‌کننده را آشکار می‌سازد.

به منظور تحقق هدف فوق، مسائلی چون بی‌ثباتی سیاسی، کارکرد رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های تصویری مورد بحث نگارنده قرار گرفته است.

در مجموع می‌توان همان نگرش مقاله پیشین در خصوص عملکرد صدا و سیما را در این نوشتار نیز مشاهده نمود.

در مقاله «صدا و سیما؛ ثبات سیاسی، وحدت و امنیت ملی» از تأثیر مقاومت ناپذیر و بی‌بدیل رادیو و تلویزیون در عرصه سیاست و اجتماع سخن گفته شده است. نگارنده در همین رابطه معتقد است این دو رسانه میان مردم و حکومت تماس زنده و مستقیم برقرار می‌کنند و حتی برخی ناظران تا آن جا پیش رفته‌اند که نظر داده‌اند رادیو و تلویزیون آن تماس مستقیم میان رهبران سیاسی و پیروان را که مشخصه دموکراسی آتن بود، دوباره برقرار کرده است. از جمله دوررژه معتقد است: مطبوعات شنیدنی (رادیو) و مطبوعات دیدنی (تلویزیون و سینما) به همان اندازه مؤثرند که مطبوعات نوشتنی و آنها نیز میان مطبوعات، رکن چهارم دموکراسی هستند.<sup>۴</sup>

با این مقدمه، این پیش فرض در اندیشه مؤلف ثابت است که با وجود تأثیرگذاری عظیم رسانه‌های دیداری و شنیداری، هرگونه عملکرد آن در حیطه‌های مختلف فرهنگی و غیر فرهنگی به طور مستقیم یا غیر مستقیم با مقولات مهم ثبات سیاسی، یکپارچگی و امنیت ملی مرتبط است؛ از این رو کلیه حوزه‌ها و سطوح کاری این رسانه اعم از خبررسانی، آگاه‌سازی و نحوه همگن‌سازی و...

شایسته بررسی و عطف توجه است.

نگارنده در مسیر این ارزیابی‌ها، عنایت به قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی را در مقام ارزیابی ضروری می‌شمارد. از همین رو در گفتار اول نوشتار خود، بندهایی از این قانون که به نظر مرتبط با مبحث هستند را ذکر نموده است.

آنگاه در ادامه، دیدگاه‌های منتقدان عملکرد صدا و سیما و در پی آن واکنش‌ها و پاسخ‌های صدا و سیما به انتقادات آنان آمده است.

در پایان، نگارنده ضمن وارد دانستن برخی از این انتقادات، بهترین راه حل رفع کاستی‌های صدا و سیما را عملی کردن مواد قانون خط‌مشی‌های این سازمان می‌داند. علاوه بر آن چند راه کار دیگر به منظور توفیق در پیمودن این مسیر و تضمین بیشتر ثبات سیاسی، وحدت و امنیت ملی معرفی می‌کند.

سه مقاله دیگر این بخش هر یک به بررسی و ارزیابی عملکرد یکی دیگر از رسانه‌های مطرح در کشور اختصاص یافته است. در مقاله «کارکرد امنیتی مطبوعات» نگارنده بر این عقیده است که به رغم پویایی و تحول در حوزه تعریف امنیت ملی، بی‌شک میان رسانه‌ها و امنیت ملی رابطه‌ای مستقیم و قابل توجه وجود دارد. آنگاه تأثیر رسانه‌ها بر امنیت ملی در یک کشور را از دو دیدگاه سلبی و ایجابی قابل بررسی می‌داند.

منظور از دیدگاه ایجابی، هرگونه تأثیر رسانه‌ای است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث تقویت امنیت ملی می‌گردد. از این دیدگاه، کمک به افزایش یکپارچگی ملی و همگنی قومی، ایجاد اعتماد مردم به نظام و رهبران سیاسی، کمک به افزایش مشارکت سیاسی و حضور مردم در صحنه برای دفاع از منافع ملی را می‌توان از مواردی دانست که رسانه‌ها می‌توانند از طریق آن به تقویت امنیت ملی کمک کنند. نگارنده منظور از دیدگاه سلبی را هرگونه تأثیر آتی یا دراز مدت رسانه معرفی می‌کند که به نوعی باعث تضعیف امنیت ملی می‌گردد.

در این مقاله، پس از بررسی مختصر جایگاه و نحوه تأثیرگذاری مطبوعات در ایران، با شرح مختصری از قضایایی چون انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، محاکمه شهردار سابق تهران، وقوع قتل‌های زنجیره‌ای و حادثه کوی دانشگاه تهران، تلاش می‌شود تا نقش امنیتی مطبوعات در وقایع از دو دیدگاه ایجابی و

سلبی تجزیه و تحلیل گردد.

در پایان و در پاسخ به این سؤال که چگونه مطبوعات می‌توانند نقش ایجابی بیشتری در تقویت امنیت ملی کشور داشته باشند و در هنگام بروز مشکلات سیاسی، نظام را یاری رسانند؟ نگارنده پاسخ را در مقوله توسعه جست‌وجو می‌کند و معتقد است توسعه نیافتگی مطبوعات ایران، ارتباط تنگاتنگی با سایر مباحث توسعه در کشور دارد به طوری که توسعه نیافتگی روزنامه‌های ایران، بخشی از توسعه نیافتگی کل کشور است.

بر این اساس به عقیده نگارنده، اقداماتی همچون تقویت نهادهای جامعه مدنی، کاهش وابستگی روزنامه‌ها به دولت، تشکیل و تقویت نهادهای حرفه‌ای و صنفی مطبوعات، بازآموزی روزنامه‌نگاران تجربی و هر اقدامی که باعث ارتقای وضعیت کلی مطبوعات در ایران بشود، می‌تواند کارکردهای ایجابی آنها را دراز مدت افزایش داده و باعث گردد که آنها در همه موارد به ویژه در هنگام وقوع قضایای مهم سیاسی، مصالح و منافع ملی را در نظر گرفته و به تقویت امنیت ملی یاری رساند.

نگارنده مقاله «اینترنت و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» بر این باور است که آخرین انقلاب قرن بیستم در ایران، نخستین انقلاب سیاسی در جهان بود که با تکیه بر دستاوردهای انقلاب اطلاعات و ارتباطات به پیروزی رسید. همین پیوند تاریخ ساز ارتباطات دور برد و رسانه‌های کوچک با ارتباطات سنتی، شفاهی و بلاغی، طوفانی از اطلاعات، اخبار و تبلیغات مؤثر سفید، خاکستری و سیاه را از خارج به داخل و در داخل تا دورترین روستاهای کشور منتقل کرد. نگارنده، کاهش کنترل جریان اطلاعات بر اثر سیاست فضای باز سیاسی در سال‌های آخر حکومت پهلوی و پیشرفت تکنولوژی رسانه‌ای را از عوامل مهم تسهیل در گردش اخبار ضد رژیم گسترش موج اسلام خواهی و ضد استبداد در کشور می‌داند.<sup>۵</sup>

پس از این مقدمه، به بررسی وضعیت کنونی جامعه اطلاعاتی کشور پرداخته می‌شود و با طرح پرسش‌هایی از قبیل اینکه گسترش زیرساخت‌های پیشرفته ارتباطی در داخل کشور و افزایش امکانات تبادل اطلاعات و داده‌ها در سطح بین‌المللی، چه تأثیراتی بر امنیت کشور به ویژه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارد و بر اثر گسترش تبادل و ورود به بزرگراه‌های جهانی چه تغییرات احتمالی را در این ابعاد ملاحظه خواهیم نمود؟ و اینکه کدام سیاست‌های ارتباطی، کمترین زیان و بیشترین فایده را برای منافع

ملی خواهد داشت و اولویت‌های ملی در این حوزه چگونه باید تعیین شود؟ ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی را مخاطره بزرگی برای نظام‌های سیاسی در عرصه سیاست‌گذاری ملی می‌شناسد. از جمله این فناوری‌های نوین، مقوله اینترنت است که نگارنده ابتدا به توصیف ویژگی‌ها و تأثیرات جهانی آن می‌پردازد و در ادامه، موضوع جایگاه این شیوه پیشرفته اطلاع‌رسانی در کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

آنگاه با توجه به ابعاد گوناگونی که برای امنیت ملی کشور متصور است، مهم‌ترین این موارد را طی دو عنوان «اینترنت و امنیت ملی» و «اینترنت و امنیت فرهنگی» بررسی می‌نماید.

در پایان نیز چنین نتیجه گرفته می‌شود که تهدید اصلی و بالفعل در مورد اینترنت فقدان گفتمان امنیتی در مورد این پدیده است. به عقیده نگارنده اینترنت که به طور بالقوه می‌تواند هم تهدید و هم فرصتی طلایی برای امنیت فرهنگی و سیاسی باشد، به عرصه‌ای فراخ برای رقابت گروه‌های فشار سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است. آنگاه با انتقاد از فقدان دانش جامع‌نگر در مورد صورت مسئله و نبود مطالعات سیاست‌گذاری مقایسه‌ای در کشور که روش آزمون و خطا و اعمال سلايق فردی و سازمانی را در پی داشته، مسئولیت‌پذیری دولت در سیاست‌گذاری علمی، کارشناسانه و همه‌سوی‌نگر را شرط اصلی تحقق بیشترین منابع و کمترین آسیب‌ها از گسترش صنعت اینترنت در ایران معرفی می‌کند.

سومین بخش، به تبیین ابعاد حقوقی ارتباط رسانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد و نویسندگان مقالات این بخش با استناد به قانون اساسی و یا قوانین عادی ایران، به تحلیل این مسأله همت گمارده‌اند.

در مقاله «حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی رسانه‌ها» در بحث پیرامون چگونگی پیدایش رشته جدیدی تحت عنوان حقوق امنیتی یا حقوق امنیت ملی\* تحولات، پیشرفت‌ها و پیچیدگی‌های روابط بین الملل مؤثر شناخته شده است. در توضیح این رشته آمده که این رشته، قواعد، ضوابط و نظریات حقوقی در موضوع امنیت را بررسی و بیان می‌کند.

در واقع حقوق امنیت ملی هر کشور در تلاش است که با شناخت قواعد مناسب با توجه به ویژگی‌های خاص کشور، امنیت ملی را حفظ و در صورت امکان توسعه دهد. از این نظر، حقوق امنیت ملی به مثابه ایدئولوژی هر نظام سیاسی تلقی می‌گردد، زیرا یکی از



خصوصیات مهم ایدئولوژی، یعنی نفوذ در تمام اجزای نظام در آن وجود دارد. گرچه موضوعات مهمی قابل طرح در ذیل این عنوان است، اما در نوشته حاضر تنها به مباحث محدودی مانند آزادی بیان و حقوق و تکلیف رسانه‌ها پرداخته شده است.

استنباط نگارنده مقاله این است که بی‌توجهی به منابع حقوق امنیتی از جمله قانون اساسی و ارتباط منطقی آن با ابزارهای کنترل اجتماعی و به طور خاص رسانه‌ها ممکن است موجب بی‌نظمی و حتی اختلال در امنیت ملی و ثبات سیاسی گردد و بر عکس توجه به اصول امنیتی و منابع حقوقی آن و برقراری ارتباط صحیح و منطقی بین پدیده‌های اجتماعی با آن می‌تواند موجب تقویت امنیت و ثبات باشد. نگارنده آنگاه با هدف تبیین مفروضات خود ابتدا به بررسی اصول کلی امنیتی جمهوری اسلامی با استناد به قانون اساسی می‌پردازد و از مجموع مباحث خود دو اصل کلی را استنباط می‌نماید که عبارت است از: الف - لزوم وجود رسانه‌ها و حق اظهار نظر و آزادی بیان، ب - لزوم رعایت حدود و چارچوب‌های امنیتی (عمومی و ملی). سپس به بررسی رابطه متقابل حقوق امنیتی - امنیت ملی و رسانه‌ها همچون ابزار کنترل اجتماعی می‌پردازد. و در این راستا ابتدا رابطه حقوق امنیتی با رسانه‌ها و سپس رابطه رسانه‌ها با حقوق امنیتی و امنیت ملی را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

در پایان با تأکید بر اینکه سه عنصر حقوق امنیتی، کنترل

مناسب آن تحقق یافتنی می‌شمارد.

نگارنده مقاله آخر این بخش با عنوان «بررسی عمومی اصل آزادی مطبوعات و مستثنیات آن» در نخستین بحث خود با اشاره به مفهوم آزادی مطبوعات که در اصل ۲۴ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است، آن را یکی از پرمناقشه‌ترین مفاهیم حقوق اساسی در سامان حقوقی کشور معرفی می‌کند که در عرصه رقابت‌های سیاسی بیش از هر یک از دیگر مفاهیم مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح شده است. وی بر این باور است آنچه در عرصه حقوق مطبوعات طی سال‌های اخیر در ایران روی داده است، مبین این نکته است که در این مدت دو دیدگاه کاملاً متفاوت حقوقی در این باب عرضه شده است. که یک دیدگاه را عمدتاً دستگاه قضایی کشور در قالب تعقیب کیفری روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول نشریات و چگونگی انجام گرفتن تحقیقات مقدماتی و محاکمه و آراء و قرارهای صادره انعکاس داده است. دیگری را نهادهای مدنی مستقل و روزنامه‌نگاران و حقوقدانان عرضه کرده‌اند. نگارنده مقاله می‌کوشد فراتر از این دو دیدگاه، اصول اساسی راجع به اصل آزادی مطبوعات و مستثنیات آن را بر اساس مفاد قانون اساسی بررسی نماید و معیارهای محوری مربوط به این اصل بزرگ را مطرح نماید تا با طرح هرچه بیشتر این قبیل موضوعات در چارچوب اصول تحلیلی علمی، به نزدیک‌تر شدن اندیشه‌های حقوقی و پالایش آنها از منفعت‌طلبی‌های سیاسی و در نهایت استقرار نظم مناسب حقوقی یاری رساند. به منظور دستیابی به این هدف، ابتدا اصل ۲۴ قانون اساسی ناظر به فعالیت مطبوعات مورد بررسی اجمالی قرار گرفته، آنگاه مفهوم آزادی مطبوعات از نگاه فقهی کاویده شده و در پایان به مستثنیات اصل آزادی مطبوعات با استناد به مبانی اسلام و حقوق عمومی پرداخته شده است.

در انتهای این مقاله چنین نتیجه گرفته می‌شود که از نظر اصل ۲۴ قانون اساسی، آزادی مطبوعات در مواردی که موجب تعرض به حقوق اشخاص می‌شود و یا اصول دین اسلام (در حکم مبانی اسلام) را در هم می‌شکند، جاری نیست. این اصل هم‌چنین متضمن دو نکته مهم دیگر است: نخست اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی را یکی از ارکان نظام و آن را تا این مرتبه ارتقا داده و توسعه آن را نه فقط وظیفه حکومت می‌داند، بلکه موجب ارتقا و استحکام نظام دانسته است. دوم آنکه مطبوعات پدیده‌ای

اجتماعی و رسانه‌ها، اجزای یک سیستم هستند و باید با تعامل منطقی بین یکدیگر تأمین‌کننده حیات این سیستم باشند، نگارنده معتقد است، کارکرد نادرست هر یک می‌تواند در نظام مفروض، اختلال پدید آورد. هم‌چنین ترتیب مذکور در سه جزء فوق به عقیده وی از تقدم و تفوق اجزا در یک رابطه طولی حکایت می‌کند. به این معنا که رسانه، مصداقی از ابزارهای کنترل اجتماعی است و باید وظیفه خود را در سایه تئوری‌های کنترل اجتماعی به انجام رساند؛ از طرف دیگر کنترل اجتماعی و کارکرد رسانه‌ها نیز در فضای ساختاری حقوق امنیتی هر نظام سیاسی معنا پیدا می‌کند و نقش آفرینی رسانه خارج از چارچوب مفروض یک نظام سیاسی بی‌معنا، غیرمنطقی و عامل بی‌ثباتی و ناامنی است.

مقاله دیگر این بخش مفهوم «خطوط قرمز رسانه‌ها در قوانین» را مورد کنکاش قرار می‌دهد. اصولاً در قوانین هر کشور محدودیت‌هایی برای آزادی فعالیت رسانه‌ها در نظر گرفته می‌شود که از آن به «خطوط قرمز رسانه‌ها» تعبیر می‌شود. هدف عمده این قوانین جلوگیری از هرگونه اقدام رسانه‌ها در تضعیف امنیت ملی است. رسانه‌های مورد بررسی در این مقاله، صدا و سیما و مطبوعات هستند که نگارنده بر آن است تا محدوده اختیارات، آزادی‌ها، فعالیت‌ها و به عبارت دیگر، حدود تخلفات و جرایم مصرح قانونی ناشی از فعالیت آنها و نیز دادگاه‌ها و مراجع صالح برای رسیدگی به فعالیت این رسانه‌ها را مشخص سازد. هم‌چنین این مقاله در پی تبیین سوء تفاهم‌های ناشی از قانون حاکم در موارد مختلف تخلفات و جرایم مطبوعاتی است. در این راستا نگارنده تحقق اهداف خود را در ذیل عناوینی چون «صدا و سیما»، «مطبوعات»، «جرائم مطبوعاتی» دنبال می‌کند و سپس در بخش مربوط به اصلاح قانون مطبوعات که مجلس شورای اسلامی آن را در تاریخ ۷۹/۱/۳۰ به تصویب رساند و شورای نگهبان نیز در ۷۹/۲/۷ آن را مورد تأیید قرار داد، اصلاحیه مذکور را برای تکمیل بحث «خطوط قرمز قوانین در رسانه‌ها» بررسی می‌نماید و چنین نتیجه می‌گیرد که قانون مذکور دارای نواقصی است. ضمن این که قانون بعضاً با بدیهیات قانون‌نویسی و قانون اساسی که قانون مادر و برترین مرجع قانونی در سلسله مراتب قوانین است، تعارض هم دارد. بر این اساس، نگارنده ضمن تأکید بر ضرورت تدوین و تصویب یک قانون مطبوعات همه‌جانبه‌نگر در شرایط فعلی، حفظ منافع و مصالح حکومت، جامعه و حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی را در بستر

نوینی است که برای استنباط‌های قانونی و شرعی در مورد آنها، باید موضوعاً به دقت شناخته شوند.

#### نقد و تحلیل محتوای کتاب

مقوله ارتباطات نقش بسزایی در روند تکوین ملت‌ها و تقویت پایه‌ها و ارکان ملی کشورها دارد و مظاهر آن یعنی رسانه‌های گروهی می‌تواند به شکل ابزاری قدرتمند برای برقراری وحدت و انسجام میان بخش‌های مختلف جوامعی که به لحاظ مذهبی، قومی، زبانی و گرایش‌های محلی و منطقه‌ای گروه‌بندی شده‌اند و درهم تنیدگی ملی لازم را ندارند، عمل کند و به تخفیف و کاهش شکاف‌های اجتماعی مدد رساند.

بدیهی است چنین کارکردشگرفی که به حق منافع و مصالح ملی را پاس می‌نهد و زمینه اعتلا و شکوفایی جوامع انسانی را نوید می‌دهد، مشروط به تحقق پیش‌زمینه‌هایی است که یکی از مهم‌ترین آنها آگاهی رسانه‌ها و مخاطبان آنها به چنین توانمندی و نیز حدود آن است. اگر با الگوی افلاطونی (که معرفت را با فضیلت مترادف می‌شمارد) به بحث رسانه‌ها وارد شویم، ساده‌ترین نتیجه‌گیری آن است که رسانه‌ها در دنیای امروز تا حدی که به مردم اطلاعات می‌دهند و آنها را آگاه می‌سازند، زمینه پرهیز آنان از آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. بر این اساس دو کارکرد جدی رسانه‌ها یعنی آموزش و اطلاع‌رسانی، انتظارات افلاطون مبنی بر گسترش فضائل (با بسط معارف) را به خوبی برآورده می‌کنند.<sup>۶</sup> کارکرد مثبت و صحیح رسانه‌ها در دو بعد مذکور می‌تواند قدرت و توانایی را در مخاطبان شکوفاسازد و اراده آنان برای تحول و توسعه را تقویت نماید. در نتیجه هر جا اطلاعات بیشتر - که یکی از لوازم توسعه است - انباشته شده باشد، فوران قدرت بیشتری که ضامن امنیت و ثبات عمیق سیاسی - اجتماعی هم هست دیده خواهد شد. «رابرت مک‌نامارا»، وزیر دفاع اسبق آمریکا در این زمینه می‌گوید: در یک جامعه در حال مدرن شدن، امنیت، سخت‌افزار نظامی نیست، اگرچه ممکن است آن را در برگیرد؛ امنیت، نیروی نظامی نیست، گرچه ممکن است آن را داشته باشد. امنیت، توسعه است و بدون توسعه هیچ‌گونه امنیتی نمی‌تواند وجود داشته باشد.<sup>۷</sup> کاری که رسانه‌ها در فرآیند توسعه انجام می‌دهند (چه با آموزش و اطلاع‌رسانی و چه با کنترل اجتماعی و اجتماعی کردن) دست‌کاری در رفتار و نگرش‌های گذشته مردم است. آنها می‌خواهند

رفتارها و نگرش‌هایی را توسعه بخشند که با فرآیند توسعه سرسازگاری نداشته باشد. پرسش بنیادین در همین جا مطرح می‌شود که آیا رسانه‌ها حق دارند چنین کاری را انجام دهند؟ آیا رسانه‌ها حق دارند قیّم‌وار به بسط دانایی اقدام کنند و افرادی را که می‌خواهند در شرایط بسته زندگی کنند، به جهان باز اطلاعاتی فراخوانند؟

در مجموعه مقالات رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، آنچه بسیار مشهود است، تلاش نویسندگان در جهت تبیین این موضوع فارغ از توجه به بعد مخاطبان است. توضیح اینکه در نوشتارهای این مجموعه بیشتر از ناحیه رسانه‌ها و تأثیر آنها سخن گفته شده، اما در زمینه مخاطبان و کنکاش در ویژگی‌های جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و مردم‌شناختی آنان کمتر دقت صورت گرفته است که تحت چه شرایطی اقبال و توجه عمومی نسبت به پیام‌های اطلاع‌رسانی رسانه‌ها تقویت می‌گردد و در اثر چه عوامل و مسائلی این میزان روبه کاهش می‌نهد. به ویژه آنکه اگر توجه داشته باشیم کاری که اطلاعات و دانش‌ها انجام می‌دهند همانا افزودن بر حوزه انتخاب آدمی و کاستن از هزینه‌های آن است. این مطلب می‌توانست در بعد حقوقی مورد عنایت نویسندگان آن بخش قرار گیرد که در دنیای امروز دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و تنها رسانه‌ها هستند که می‌توانند این حق را ایفا کنند. البته بحث پیرامون اصل ۲۴ قانون اساسی در رابطه با آزادی مطبوعات تا حدودی متعرض این موضوع شده است، اما به شکل کامل از پردازش به موضوع جریان اطلاعات غفلت شده است. این در حالی است که جریان اطلاعات در یک کشور در حال توسعه صرفاً به جریان آن از بالای هرم حکومت به پایین محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه اطلاعاتی را که مردم برای ایفای نقش‌های خود نیاز دارند، در برمی‌گیرد. ابزارهای ارتباطی نوین که آخرین آنها بزرگراه‌های اطلاعاتی است، امکان ارتباط را برای هر کس با دیگری، بدون هیچ محدودیتی نسبت به فرم و محتوای پیام فراهم کرده‌اند. بنابراین هرگونه محدودیت بر روی شبکه‌های اطلاعاتی در عین آنکه می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی - سیاسی جلوگیری کند، ممکن است افرادی را از حق داشتن و کسب اطلاعات مفید محروم سازد. از این مهم به ویژه در مقاله «اینترنت و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» غفلت شده است که محدودیت



این به دلیل گسترش قلمرو ارتباطات است که جامعه را نسبت به گذشته به مراتب بازتر نموده است. به اعتقاد «هیل» جامعه اطلاعاتی که در حال گسترش است آکنده از امکانات هیجان‌انگیز، تردیدها و اندیشه‌ها و رفتارهای متضاد است که پیچیدگی‌های حقوقی، آداب و رسوم و ممنوعیت‌ها، استفاده و سوءاستفاده و عدم استفاده از اطلاعات و نیز عوامل مؤثر بر چگونگی آثار فرهنگ اطلاعاتی بر شرایط انسان‌ها در آینده باید مورد شناسایی قرار گیرد.<sup>۱۰</sup> در این حال باید توجه داشت که رسانه‌ها به تنهایی موجب تحول نیستند، بلکه با آشکار کردن آن، دامنه‌اش را گسترش می‌دهند یا به تقویت و تضعیف آن می‌پردازند. البته در برخی جوامع نظیر جامعه ایران به دلیل مشکلات ساختاری (ساختار سیاسی یا فرهنگی) رسانه‌ها به جای اینکه صرفاً به صورت واسطه به ایفای نقش اطلاع‌رسانی خود بپردازند، نقش احزاب و نهادهای سیاسی یا سازمان‌ها و نهادهای تولید و گسترش فرهنگی را بازی می‌کنند. در این صورت میزان آسیب‌زایی رسانه‌ها افزایش می‌یابد. این موضوع به خوبی در مقاله «مطبوعات و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی» با طرح مسأله جایگزینی مطبوعات به جای احزاب تبیین گردیده است. در این حالت به دلیل نبود جریان‌های حزبی و تشکیلات گروهی همگن و کارآمد، بسیاری از افراد فعال در عرصه سیاسی، مطبوعات را چونان وسیله انتقال و بیان دیدگاه‌های خاص خود به کار می‌گیرند و مخاطبان و خوانندگان مطبوعات که در صدد آند تا عطش سیراب ناشدنی خود را در کسب اطلاعات جدید از تحولات سیاسی - اجتماعی کشور را از رهگذر مطالعه روزنامه‌ها و مجلات پاسخ گویند. با این نحوه عملکرد مطبوعات، ناخواسته اطلاعات جهت‌دار مبین دیدگاه‌های خاص نویسندگانی بدان‌ها منتقل می‌گردد و اصحاب مطبوعات نیز میزان اقبال و گرایش مردم خریدار و خواننده نوشته‌های خود را ملاک تعیین سمت و سوی فکری جامعه می‌پندارند و هیچ‌گاه به بازاندیشی در عملکرد خود نمی‌پردازند. ولذا این امر زمینه تداوم انحراف و اشتباه را بیش از پیش فراهم می‌آورد.

هم‌چنین روند کند تحولات فرهنگی به ویژه در عرصه اطلاع‌رسانی در دنیایی که مجموعه به سرعت در حال حرکت است نیز می‌تواند تنش‌زا باشد. عدم پرداختن به این موضوع از رهگذر ارائه اطلاعات و آمار مستند از میزان وسایل ارتباط جمعی فعال در ایران از طریق پژوهش‌های میدانی، یکی از خلأهای بارز در

و کنترل جریان اطلاعات می‌تواند میزان آگاهی و دانایی گروهی از کاربران را محدود نماید. به خصوص آنکه خود نگارنده نیز در بخشی از نوشتار خود این موضوع را ذکر نموده و گذرا از آن گذشته است، آنجاکه می‌نویسد: «کسانی که به اینترنت دسترسی دارند، از نوعی مرجعیت برخوردارند.»<sup>۱۱</sup> بر این اساس بیشتر آسیب‌زایی رسانه‌ها و از جمله اینترنت در حوزه امنیتی مورد بررسی قرار گرفته و کمتر آسیب‌پذیری مخاطبان مشتاق دریافت اطلاعات از رسانه‌ها به عنوان یک آسیب جدی مورد عنایت واقع شده است.

البته نباید از این سخن چنین مفهومی استنباط شود که هیچ‌حد و مرزی برای مواد و اطلاعات انتقال یافته نباید قائل شد. به دلیل تعارض ارزشی چنین نگرشی بامبانی فکری مبتنی بر دین‌داریان، اندیشه پروتاگوراس که انسان را مقیاس همه چیزها می‌داند، مقیاس هستی چیزهایی که هست و مقیاس نیستی چیزهایی که نیست،<sup>۱۲</sup> اساساً نمی‌تواند مبنای سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ایران قرار گیرد. بر اساس نگرش پروتاگوراسی، انسان‌ها خود مبدأ تشخیص فضائل و رذائل هستند. معمولاً کسانی که می‌خواهند حوزه دخالت خویش را در عمل دیگران افزایش دهند، مصلحت عمومی را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که کمتر جایی برای فردیت افراد باقی بماند که این روش و شیوه اقتدارگرایان است که به بهانه ناتوانی و عدم صلاحیت افراد در تشخیص خیر و شر خود، قیم‌مآبانه حوزه اندیشه افراد را محدود می‌سازند. اما واقع آن است که مصلحت عمومی بنا به عمومی بودنش به یک حوزه خصوصی نیاز دارد که در برابر آن معنی پیدا کند. در آن حوزه خصوصی دیگر مقررات و قواعد ناشی از مصلحت عمومی حاکم نخواهد بود.

در واقع پرداختن به حدود هر یک از دو حوزه جدی حیات بشری یعنی حوزه «فردیت» و حوزه «مصلحت عمومی» در نوشتارهای این مجموعه می‌توانست میزان تأثیرگذاری رسانه‌ها بر ثبات و امنیت جمهوری اسلامی را بیش از پیش تبیین نماید. بحث پیرامون حدود هر یک از این دو حوزه به ویژه در جوامعی که تحول اجتماعی (نظیر آنچه در دوم خرداد ۷۶ اتفاق افتاد) را تجربه کرده‌اند، ضرورت دوچندان پیدا می‌کند. در این‌گونه جوامع که دگرگونی و عدم اطمینان روبه‌فزونی می‌گذارد، شرایطی که «آنتونی گیدنز» آن را دنیای از هم گسیخته\* نامیده، بهتر قابل درک است. به اعتقاد او، در جست‌وجوی شرایطی بهتر یا بدتر، افراد در وضعیتی قرار دارند که هیچ‌کس آن را به درستی درک نمی‌کند، اما بر همه مؤثر است.<sup>۱۳</sup>

نوشتارهای این مجموعه است که بخشی از آسیب‌پذیری اطلاعاتی جامعه را پنهان داشته است.

«مارگارت مید» پس از یک مطالعه ۲۵ ساله در مورد «مانوس»، به ضرورت همگامی سرعت تحولات فرهنگی جوامع انسانی با تحولات بین‌المللی پی برده است.<sup>۱۱</sup> اگر تحول به طور کلی مطلوب باشد، کل فرهنگ را در برمی‌گیرد، همه و جوه آن را شامل شده و این کار به سرعت انجام پذیرد، برهم خوردگی سازمانی و عدم انطباق فردی کمتری را نسبت به تغییر تدریجی در یک دوره طولانی دربر خواهد داشت. در این صورت نظام اخلاقی نیز کمتر شکاف برمی‌دارد و تنظیم روابط اجتماعی براساس آن آسان‌تر صورت خواهد گرفت. آسیب‌زایی رسانه‌ها هنگامی افزایش و جدیت پیدا می‌کند که یا تحول اجتماعی شدید باشد یا اینکه جامعه در دنیایی بسیار متحول، کند حرکت کند. رسانه‌ها در دوران تحول، کارکردی دوسویه دارند: از یک سو با اطلاع‌رسانی و آموزش، تحول را تشدید یا تضعیف می‌کنند، ولی از سوی دیگر با کنترل اجتماعی و قرار گرفتن در خدمت کارگزاران یا با آموزش ایدئولوژیک، از جریان تحول فاصله می‌گیرند یا تحول را جهت داده و در خدمت یک هدف خاص قرار می‌دهند. این روند، جنبه آسیب‌زایی رسانه‌ها را تشدید می‌نماید که نویسندگان مقالات به خصوص در حوزه مطبوعات و نیز رادیو تلویزیون این مهم را به خوبی تشریح نموده‌اند. در این حالت ارتباط بیش از آن که در خدمت گزارش واقعیت باشد، در جهت ساختن و پرداختن واقعیت و تصرف در عالم و آدم عمل می‌کند. اگر انتقال اطلاعات همواره با هدف و انگیزه خاصی صورت پذیرد، این شیوه از اطلاع‌رسانی نه تنها به انعکاس بی‌طرفانه واقعیت اجتماعی و حقایق تجربی نمی‌پردازد، بلکه در ساخت اجتماعی واقعیت نیز مداخله می‌کند. در این وضع، انگیزه‌های خصوصی و شخصی به حیطه مسایل عمومی منتقل می‌شود و به چنین عملی تحت عنوان مصالح عمومی، صورت حق به جانب و عقلانی داده می‌شود و مردم نیز فقط مجاز به شنیدن یک سویه عقیده‌ای خواهند بود. شاید در پاسخ گفته شود که تولید و بسط اطلاعات چیزی را پنهان نخواهد گذارد و شفافیت‌هایی را ایجاد می‌کند که در مواردی مستلزم گسسته شدن حریم‌ها، افشاکننده خطاها، جرم‌ها و مشکلات اجتماعی و خدشه وارد آوردن بر مصالح عمومی (مثل امنیت و منافع ملی) است. لذا به منظور اجتناب از این پیامدهای سوء، تداوم جریان یک سویه اطلاعات از رسانه‌ها به سوی مخاطبان به صلاح و صرفه

عمومی خواهد بود. اما نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که کنترل اجتماعی از طریق القا، تبلیغ و درخواست تظاهر و رعایت ارزش‌ها و باورهای عمومی نیز بسیاری از مشکلات اجتماعی را در پی خواهد داشت. تناقض‌نماهای اخلاقی و اجتماعی معمولاً از همین دوگانگی‌ها زاده می‌شود.

#### پانوشته‌ها:

۱. رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: ۱۳۸۱، ص ۲۴.
۲. بهزاد رضوی فرد. «جرم، امنیت، مطبوعات»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۸/۹/۲۷، ص ۱۴.
۳. «بررسی دیدگاه ارتباطی و رسانه‌های گروهی»، مصاحبه با دکتر محسنیان‌راد. روزنامه همشهری، ۷۶/۵/۱۹، ص ۱۲.
۴. عبدالرحمن عالم. بنیادهای علم سیاست، تهران: نشرنی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۲.
5. Majid Tehranian, *Global Communication and International Relations*, 1996, p.28.
۶. مجید محمدی، اخلاق رسانه‌ها. تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۷۹، ص ۶۲.
7. Robert McNamara, *The Essence of security*, New York, Harper and Row, 1968, p.149.
۸. همان، به نقل از افلاطون، پروتاگوراس، قطعه ۱.
- \* Runaway world
9. D.A.Held, *A Globalizing world?* London: The open university, 2000, p.6.
10. M.W.Hill, *The Impact of Information on society*, London: Bouker, 1999, P.9.
11. Margaret Mead. *Applied Anthropology*, 1995, in some uses of Anthropology: Theoretical and Applied, Washington D.C: Anthropological society of washington, pp.94-108.